



سخنرانی در اجلاسی در پارلمان ایتالیا

حمایت اکثریت اعضای سنای ایتالیا از قیام و مقاومت ایران و نفی هرگونه دیکتاتوری سلطنتی و دینی

۲۳ فروردین ۱۴۰۲

روز چهارشنبه ۲۳ فروردین، در اجلاسی در پارلمان ایتالیا، بیانیه مشترک اکثریت اعضای سنای ایتالیا در حمایت از قیام و مقاومت ایران و نفی هرگونه دیکتاتوری سلطنتی و دینی توسط شماری از سناتورها از جمله سناتور ترتزی و سناتور اسکوریا ارائه شد. سپس شماری از سناتورها و نمایندگان ایتالیا در مورد این بیانیه توضیحاتی دادند. مریم رجوی در ارتباط آنلاین با این اجلاس سخنانی ایراد کرد که در این جا می خوانید:

دوستان عزیز، قانونگذاران محترم ایتالیا! از توجه شما به مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی قدردانی می کنم. خوشبختانه جامعه ایتالیا و منتخبان اش از دیرباز با موضوع ایران آشنا بوده اند. از نظر فرهنگی و علمی و اقتصادی از گذشته های بسیار دور میان کشورهای ما همکاری ها و تبادلات مستمر وجود داشته است. اما حاکمیت طولانی دو دیکتاتوری سلطنتی و مذهبی باعث عقب ماندگی کشور ما شد. در سال ۱۳۵۷ مردم ایران، انقلاب کردند تا آزادی و دموکراسی را برقرار سازند. اما آخوندها، انقلاب را دزدیدند. آن ها انرژی عظیم آزاد شده از انقلاب را در جنگ افروزی و تروریسم و ویرانگری به کار گرفتند. در واقع تاریخچه این رژیم، تاریخچه توسعه تروریسم دولتی، به آشوب کشیدن کشورهای منطقه و اشغال برخی از آن ها است. سرکوب مردم ایران با بیلان اعدام ۱۲۰ هزار نفر از مخالفان این رژیم و به ویژه تحمیل انواع محرومیت ها و تبعیض ها به زنان، ابعاد فاجعه باری دارد.

تنگنای مرگبار رژیم

از پنج ماه پیش رژیم در یک طرح برنامه‌ریزی شده سراسری، مدارس دخترانه را هدف حملات شیمیایی قرار داده است. این مسموم‌سازی‌ها برای ارباب و جلوگیری از حضور زنان و دختران در قیام‌های ضدحکومتی است که نقش پیشتازی در آن ایفا کرده‌اند. حملات هولناک رژیم تاکنون حداقل ۵۰۵ مدرسه در ۱۰۹ شهر را هدف قرار داده و در میان سکوت تأسفبار بین‌المللی، روزانه قربانی می‌گیرد.

باید توجه کرد که این ستیزه‌جویی‌ها، در اصل برای یافتن مفری از تنگنای مرگبار در داخل کشور است. سلسله قیام‌های سال‌های اخیر در شهریور ۱۴۰۱ به قیام گسترده و پرتوانی ارتقا یافت که نقطه عطفی در سرنوشت حکومت ولایت فقیه است. و تزلزل و شکنندگی این رژیم را که ما از سال‌ها پیش بر آن تاکید می‌کردیم در مقابل چشم جهانیان قرار داده است.

تورم ۵۰ درصدی، کسری بودجه ۵۰ درصدی، سقوط آزاد ارزش پول رسمی کشور، بیکاری فزاینده، فساد سیستماتیک حکومتی و اقتصاد تقریباً فلج شده جریان وار ادامه دارد. اما فراتر از این‌ها، شکنندگی رژیم ناشی از آن است که با یک جامعه به‌شدت عاصی درگیر شده که قصد سرنگونی‌اش را دارد.

برای درک آنچه در جریان است به کثرت دستگیری‌ها توجه کنیم.

رئیس قضاییه، آخوند جنایتکار اژه‌یی، در فروردین ماه امسال اعلام کرد بیش از ۲۲ هزار نفر از دستگیرشدگان قیام آزاد شده‌اند. قدر مسلم این است که رژیم برای بستن راه قیام، ده‌ها هزار نفر را دستگیر کرده است. اما این سرکوب گسترده قادر نشد جنبش اعتراضی را خاموش کند و این جنبش هم‌چنان کابوس رژیم است. دو هفته پیش فرمانده یگان‌های ضدشورش فاش کرد که رژیم در حال افزایش نیروهای خود برای مهار قیام در ۴۰۰ شهر است.

جایگزین دموکراتیک شورای ملی مقاومت ایران

راستی چرا آخوندها نتوانسته‌اند راه قیام‌ها را ببندند؟ زیرا با یک جامعه انفجاری مواجه هستند و مردم حاضر به تحمل وضع موجود نیستند.

اما این یک نارضایتی بی‌شکل و خود به‌خودی نیست. شبکه سازمان یافته مجاهدین در استان‌های مختلف که واحد رزمنده آن کانون شورشی است، در سازمان‌دادن قیام و در استمرار آن نقش جدی دارند. از ابتدای قیام تا شش ماه بعد از آن بیش از ۳۶۰۰ نفر از هواداران مجاهدین دستگیر یا ناپدید شدند. اما این دستگیری‌ها نتوانست دامنه فعالیت و رشد کانون شورشی را محدود کند. پیشبرد قیام که با فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی گسترده‌ی تکمیل می‌شود، مسئولیتی است که یک جایگزین دموکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت به‌عهده دارد.

این شورا که از ۴۲ سال پیش برای سرنگونی رژیم تأسیس شده، در پی ایرانی است که از گذشته یعنی استبداد سلطنتی و از حال یعنی استبداد دینی آزاد شده باشد و آینده‌یی بر اساس رأی جمهور مردم بنا کند. یک جمهوری دموکراتیک که با چند پرنسیپ اساسی ممتاز می‌شود: جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیت‌ها، لغو حکم اعدام و یک ایران غیراتمی. طبق برنامه شورای ملی مقاومت، بعد از سرنگونی رژیم آخوندی یک دولت موقت به مدت حداکثر شش‌ماه تشکیل می‌شود. وظیفه اصلی آن برگزاری یک انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان است.

حمایت نمایندگان اروپایی و امریکایی از مقاومت مردم ایران

برنامه شورای ملی مقاومت، از اقبال چشمگیری در میان منتخبان ملت‌های آمریکا و اروپا نیز برخوردار است.

بیانیه مشترک اکثریت اعضای سنای ایتالیا نمونه مهمی از این استقبال است. آن‌ها از قیام و مقاومت مردم ایران در نفی هرگونه دیکتاتوری چه سلطنتی و چه دینی و از استقرار یک جمهوری دموکراتیک حمایت می‌کنند.

در آمریکا نیز اکثریت اعضای کنگره قطعنامه‌یی را امضا کرده‌اند که از مبارزه مردم ایران علیه رژیم‌های شاه و شیخ و همچنین برنامه ده ماده‌یی مقاومت برای استقرار یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدایی دین و دولت حمایت شده است.

در آذرماه گذشته ۱۲۵ پارلمانتر بلژیکی و در اسفند گذشته، ۲۵۰ تن از نمایندگان مجلسین عوام و اعیان انگلستان، بیانیه‌های مشابهی صادر کرده‌اند.

بنابراین زمان آن است که دولت‌های غرب نیز با بازنگری بنیادی سیاست خود در قبال ایران، در کنار مردم ایران قرار گیرند. قیام بزرگ ایران شرایط جامعه ایران و موقعیت رژیم را به نحو بازگشت‌ناپذیری تغییر داده است. عزم جامعه ایران برای به‌دست آوردن آزادی و دموکراسی قابل از بین بردن نیست. رژیم آخوندی هم قادر نیست حاکمیت خود را در برابر موج قیام‌ها حفظ کند.

جامعه جهانی از جمله ایتالیا نمی‌تواند با ارزیابی و نگرش پیشین خود با دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران برخورد کند. این نه تنها برخلاف مصالح مردم ایران است که خواهان سرنگونی این رژیم هستند، بلکه برخلاف صلح و امنیت جهانی است که از سوی این رژیم تهدید می‌شود.

در قیام سال ۸۸ ایتالیا درهای سفارت‌خانه خود در تهران را به روی قیام‌کنندگان باز گذاشت تا از تعقیب پاسداران به آن‌جا پناه ببرند. حالا مردم ایران انتظار دارند که ایتالیا درها را به روی آخوندها

و سپاه پاسداران ببندد، سپاه پاسداران را به‌عنوان یک موجودیت تروریستی اعلام کند و معامله با این رژیم را متوقف کند، زیرا تجارت با این رژیم یعنی تجارت با سپاه پاسداران و سوخت رساندن به ماشین سرکوب و ترور و جنگ‌افروزی. زمان آن است که ایتالیا حقانیت و ضرورت مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم را تأیید کند و مشروعیت نبرد جوانان شورشگر با سپاه پاسداران را به‌رسمیت بشناسد.